

نشانه‌ها و کارکردهای دیپلماسی دفاعی پویا^۱

زهره بوستین‌چی^۲، ابراهیم متقی^۳، طیبه مآبی^۴، مهدی فقیه^۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۲۴

چکیده

دیپلماسی دفاعی، مفهومی جدید در ادبیات راهبردی محسوب می‌شود. اگرچه در ادبیات نظامی و راهبردی سنتی، هیچگاه چنین مفهومی به کار گرفته نشده است، اما همواره سازوکارهای لازم برای کاربرد قدرت از طریق دیپلماسی وجود داشته است. هم‌اکنون موضوع‌هایی مانند قدرت، دفاع، امنیت، بازدارندگی و منطقه‌گرایی در زمره مفاهیمی محسوب می‌شوند که ارتباط بسیار نزدیکی با دیپلماسی دفاعی دارند. ضرورت‌های امنیت‌سازی برای کشورهای که در محیط پرمخاطره امنیتی هستند، ایجاد می‌کند که سازوکارهای متنوعی برای تهدیدزدایی ایجاد شود. گفتنی است که ره یافت تهدید متقابل از این جهت دارای اهمیت می‌باشد که توانسته است زمینه‌های لازم برای بازدارندگی ادراکی را به وجود آورد. دیپلماسی دفاعی از این قابلیت برخوردار است که مرز بین دفاع، بازدارندگی و الگوی تهاجمی را از یکدیگر تفکیک کند.

واژگان کلیدی: دیپلماسی دفاعی، بحران، قدرت نرم، تنش‌زدایی، اعتمادسازی.

۱. این مقاله، استخراج شده از طرح پژوهشی انجام شده در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی می‌باشد.

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رودهن

۳. استاد دانشگاه تهران

۴. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

۵. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱. کلیات

دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها و ارکان دفاع محسوب می‌شود. دیپلماسی دفاعی را می‌توان بخشی از ضرورت‌های راهبردی در دوران جنگ نرم دانست. برای مقابله با جنگ هوشمند دشمن لازم است تا از چنین ابزارها و فرایندهایی استفاده شود. دیپلماسی دفاعی می‌تواند روندهای اقناع‌سازی در حوزه راهبردی را به وجود آورد. کشوری مانند ایران که دارای جایگاه منطقه‌ای می‌باشد، برای ایفای نقش در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای دیپلماسی دفاعی به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و در جهت مقابله با تهدیدهای نرم‌افزاری محسوب می‌شود.

۱-۱. طرح مسئله

دیپلماسی دفاعی یکی از سازوکارهای ائتلاف‌سازی در مقابله با تهدید تلقی می‌شود. حضرت امام خمینی (ره) در بیان هدف‌های راهبردی جمهوری اسلامی این موضوع را مورد تأکید قرار دادند که اگر آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ در صدد باشند تا در برابر دین ما بایستند، ما در برابر دنیای آنان خواهیم ایستاد. این رویکرد به مفهوم اقدام متقابل در برابر تهدیدهای ناهمگون محسوب می‌شود. چنین رویکردی در دوران پس از رحلت امام (ره) نیز تداوم یافت. ضرورت‌های تهدید متقابل ایجاب می‌کند که از یک‌سو به الگوهای کنش همکاری‌جویانه در برابر متحدان توجه داشت و از سوی دیگر به مقابله با تهدیدها مبادرت کرد.

قدرت و امنیت در سال‌های پس از جنگ سرد با یکدیگر پیوند یافتند. دیپلماسی دفاعی نه تنها باید به‌عنوان بخشی از ابزار قدرت راهبردی کشورها محسوب شود، بلکه هر بازیگری که بتواند از دیپلماسی دفاعی به گونه مؤثرتری بهره‌مند شود، در آن شرایط به مطلوبیت‌های راهبردی فراگیرتری نیز نایل می‌گردد. در شرایط جدید نظام بین‌الملل،

نه تنها قدرت‌های بزرگ نیازمند بهره‌گیری از دیپلماسی دفاعی می‌باشند، بلکه بازیگران منطقه‌ای مانند ایران نیز نیازمند به‌کارگیری ابزارها و فرایندهای مربوط به دیپلماسی دفاعی خواهند بود.

۱-۲. هدف‌های تحقیق

دیپلماسی دفاعی پویا که به‌وسیله سازمان‌های دفاعی و راهبردی هدایت می‌شود، نیازمند رهنامه راهبردی می‌باشد. برای مثال، در اواخر دهه ۱۳۷۰ این نکته از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود که: «همکاری‌های منطقه‌ای در روند تنش‌زدایی می‌تواند قابلیت‌های ایران برای مقابله با تهدیدهای بین‌المللی را افزایش دهد.» در راستای چنین راهبردی در وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران بود که فرایند دیپلماسی دفاعی پویا شکل گرفت. شاخص‌های دیپلماسی دفاعی پویا را باید در «امنیت‌سازی» و همچنین «تهدیدزدایی» مورد توجه قرار داد. برنامه‌های اجرایی وزارت دفاع را باید در قالب امنیت‌سازی بین‌المللی بر اساس چندجانبه‌گرایی و تهدیدزدایی منطقه‌ای در قالب تنش‌زدایی مورد توجه قرار داد.

به این ترتیب مشاهده می‌شود، دیپلماسی دفاعی پویا از تلاقی امنیت‌سازی در فضای بین‌المللی و تهدیدزدایی و تنش‌زدایی در فضای منطقه‌ای به‌دست می‌آید. کاربرد سه مؤلفه یاد شده در حوزه‌های راهبردی، بخشی از شاخص‌های دیپلماسی دفاعی پویا محسوب می‌شود. این فرایند از سوی افراد و سازمان‌هایی هدایت می‌شود که از توان لازم برای مذاکرات دیپلماتیک در حوزه نظامی برخوردارند. هدف دیپلماسی دفاعی پویا را باید تحت تأثیر و نفوذ قرار دادن محیطی دانست که نظامیان در آن فعالیت می‌کنند و یا نتیجه فعالیت آنان، زمینه‌بازدارندگی، امنیت‌سازی و تهدیدزدایی را به وجود می‌آورد.

در این فرایند، مبادله‌های راهبردی در قالب دیپلماسی دفاعی پویا معطوف به همکاری‌های متنوعی است که در سطح عملیاتی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌گیرد. ارتقای فرایندهای همکاری‌جویانه در راستای انباشت و تمرکز قدرت راهبردی در محیط پرمنازعه منطقه‌ای را باید در زمره عناصر تشکیل‌دهنده دیپلماسی دفاعی دانست؛ زیرا بر اساس چنین رویکردی، هدف دیپلماسی دفاعی بهره‌گیری از قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای ایجاد ثبات، تعادل و همکاری‌های چندجانبه می‌باشد.

۳-۱. فرایند تاریخی تکامل دیپلماسی دفاعی

سان تزو، ۲۴۰۰ سال پیش، گفته است زمانی پیروز می‌شوی که هم خودت را بشناسی و هم دشمن را بشناسی، البته این شناخت باید منجر به تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری شود. بخشی از شناسایی، ماهیت فرایندی دارد. به عبارت دیگر، شناخت فرایندی در زمره سازوکارهای کنش راهبردی در حوزه‌های امنیتی، دفاعی و راهبردی محسوب می‌شود. شناخت، بخش تکمیلی دیپلماسی دفاعی در محیط‌های بحرانی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، دیپلماسی دفاعی می‌تواند بر نشانه‌ها و الگوی شناخت سایر بازیگران تأثیر به جا گذارد.

از این‌رو، بخش عمده‌ای از قدرت، مربوط به قدرت نرم‌افزاری هست. قدرت نرم است که انگیزه و مقاومت ایجاد می‌کند. قدرت نرم، الهام گرفته از فضاها و رهیافت‌های ایدئولوژیک است. «بیسمارک» در آلمان توانست در مدت ۲۰ سال در سه جنگ با دانمارک، اتریش و فرانسه (ناپلئون سوم) به پیروزی برسد. او برای نیل به این پیروزی‌ها، از دیپلماسی دفاعی استفاده می‌کرد. به این ترتیب که در جنگ با فرانسه، انگلیس را متقاعد می‌کرد. زمانی که اتریش را شکست داد، دیپلماسی دفاعی «بیسمارک» با فرانسه و انگلیس کار می‌کرد. زمانی که دانمارک را شکست داد، دیپلماسی دفاعی با اتریش و فرانسه کار می‌کرد (نای، ۱۳۸۷: ۶۵).

هیتلر تجهیزات خود را در رزمایش‌هایی با حضور وابستگان نظامی از همه کشورهای نمایش می‌داد. به دستور او، برای ایجاد جوّ رعب و وحشت، اطلاعات مربوط به توانمندی این تسلیحات باید پخش می‌شد. این اقدام در ذهنیت‌سازی بسیار موفق بود. به عبارتی کشورهای مورد حمله، پذیرفته بودند که آلمان در یک شرایط مناسب و دارای قدرت تأثیرگذاری است و نمی‌توان در برابرش مقاومت کرد. دیپلماسی دفاعی می‌تواند اراده مقاومت را تضعیف نموده و آن را از بین ببرد (متقی، ۱۳۸۷: ۳۵).

۴-۱. متغیرهای تحقیق

در انجام و اجرای هر پژوهشی، متغیرهای متنوعی مورد توجه قرار می‌گیرند. به طور کلی، متغیرهای هر پژوهش، عناصر تشکیل‌دهنده آن را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان بر این موضوع تأکید داشت که متغیرهای پژوهش، متشکل از متغیر وابسته و متغیرهای مستقل است که در پژوهش مربوط به فرایند سازماندهی دیپلماسی دفاعی پویا در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در این پژوهش، «دیپلماسی دفاعی ایران» به عنوان متغیر وابسته تلقی می‌شود. از سوی دیگر می‌توان تأکید داشت که متغیر مستقل در این پژوهش، «چندجانبه‌گرایی در سیاست راهبردی ایران» خواهد بود. تحقق چندجانبه‌گرایی نیز نیازمند هنجارسازی، اعتمادسازی و تعامل سازنده می‌باشد.

۵-۱. پرسش‌های تحقیق

دیپلماسی دفاعی به عنوان یکی از ابزارهای کنش راهبردی برای تحقق امنیت و ارتقای قابلیت راهبردی ایران در برخورد با محیط پرتنش منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. در شرایطی که تهدیدهای منطقه‌ای علیه منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران افزایش یافته، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان زمینه‌های لازم برای تأمین امنیت راهبردی را فراهم آورد؟ بحث مربوط به دیپلماسی دفاعی در

جمهوری اسلامی ایران درست همین مسئله را به نوعی در ذهن‌ها تداعی می‌کند که آیا دفاع از طریق کاربرد الگوهای دیپلماتیک در قالب دیپلماسی دفاعی امکان‌پذیر است؟ آیا قدرت ملی از طریق دیپلماسی دفاعی حاصل می‌شود؟ آیا دیپلماسی یک نگرش انفعالی و یا سازش‌جویانه محسوب نمی‌شود؟ با توجه به چنین مؤلفه‌هایی می‌توان پرسش اصلی پژوهش را به صورت زیر تبیین نمود:

«دیپلماسی دفاعی پویا در ج.ا.ایران در چه فرایندی و بر اساس بهره‌گیری از چه ابزارهایی حاصل می‌گردد؟»

۶-۱. فرضیه‌های تحقیق

اگر پرسش اصلی دیپلماسی دفاعی مربوط به هدف‌ها، ابزارها و فرایند اجرایی دیپلماسی دفاعی می‌باشد، فرضیه اصلی این پژوهش بر این موضوع تأکید دارد که: «دیپلماسی دفاعی معطوف به سازوکارهای اجرایی برای چندجانبه‌گرایی راهبردی محسوب می‌شود. چندجانبه‌گرایی راهبردی، تلاش سازمان‌یافته برای ائتلاف، مشارکت، همکاری و ضدائتلاف در مقابله با نظام سلطه می‌باشد.» فرضیه‌های تکمیلی این پژوهش مربوط به سازوکارها و فرایندهای تحقق دیپلماسی دفاعی است. با توجه به چنین رویکردی، فرضیه‌های تکمیلی این تحقیق در ارتباط با فرایند و سازوکارهای تحقق دیپلماسی دفاعی عبارتند از:

فرضیه ۱: بین دیپلماسی دفاعی با اعتمادسازی در سیاست راهبردی ایران رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲: بین دیپلماسی دفاعی با هنجارسازی راهبردی در سیاست راهبردی ایران رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۳: بین دیپلماسی دفاعی با تعامل سازنده در سیاست راهبردی ایران رابطه معنادار وجود دارد.

۱-۷. روش‌شناسی تحقیق

دیپلماسی دفاعی در زمره موضوع‌هایی است که می‌توان آن را بر اساس روش توصیفی، روش تحلیلی، روش تحلیل محتوا و روش تحلیل داده‌ها تبیین نمود. دیپلماسی دفاعی معطوف به کنش راهبردی چند بازیگر در قالب معادله قدرت محسوب می‌شود. به همین دلیل است که می‌توان دیپلماسی دفاعی را بخشی از معادله قدرت در سیاست بین‌الملل دانست. از آنجا که دیپلماسی دفاعی در محیط سیاست بین‌الملل و همچنین محیط منطقه‌ای شکل می‌گیرد، بنابراین نیازمند آن است که مطلوبیت و کاربرد آن بر اساس چندجانبه‌گرایی مورد سنجش قرار گیرد.

چندجانبه‌گرایی در حوزه راهبردی بدون توجه به موضوع‌ها و ضرورت‌های دیگری از جمله تنش‌زدایی، اعتمادسازی، تعامل سازنده و همزیستی مسالمت‌آمیز حاصل نمی‌شود. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده را می‌توان به‌عنوان هدف‌ها و موضوع‌های راهبردی دیپلماسی دفاعی دانست. با توجه به اینکه در این پژوهش، تأثیر دیپلماسی دفاعی بر چندجانبه‌گرایی سیاست راهبردی ایران بررسی می‌شود و در نهایت، راهبردهایی برای اعتلای فرایند دیپلماسی دفاعی در سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ارائه می‌گردد، بنابراین از «روش تحقیق آمیخته» برای تبیین متغیرهای دخیل در فرایند دیپلماسی دفاعی استفاده می‌شود.

۱-۸. چارچوب نظری تحقیق

«رهیافت برسازی» بر ضرورت کاربرد مفاهیم و انگاره‌های ذهنی در فرایند دیپلماسی دفاعی تأکید دارد. به عبارت دیگر، دیپلماسی دفاعی در شرایطی از اهمیت و مطلوبیت راهبردی برخوردار است که جلوه‌هایی از معناگرایی مشترک در راهبردهای دفاعی - امنیتی به وجود آید. رهیافت برسازی در دیپلماسی دفاعی به گونه‌ای تدریجی اهمیت پیدا کرد. پایان جنگ سرد به منزله فرایندی محسوب می‌شود که نقش نشانه‌ها،

تصورها، ادراکات و ایستارها در روند امنیت‌سازی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این «تکامل» حوزه فرعی بررسی‌های امنیت، به نسبت طبیعی به نظر می‌رسد، ولی به یقین شالوده آن را نه نوعی روند مستقل، بلکه نوعی برسازمی معانی تشکیل می‌دهد که طی آن، قدرت مهم خواندن مسائل و رویکردها، کلید تحولات یاد شده بوده است.

۲. مفهوم دیپلماسی دفاعی در نگرش راهبردی

دیپلماسی دفاعی یکی از راه‌های کسب منافع و امنیت ملی محسوب می‌شود. این مفهوم به معنای کاربرد دیپلماسی در حوزه دفاع به منظور بالا بردن سطح تعامل‌های همکاری‌جویانه کشورها و جایگزین کردن ثبات به جای تنش است. بنابراین دیپلماسی دفاعی یک رویکرد ثبات‌محور است که افزون بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، می‌تواند زمینه مناسبی برای مدیریت بحران و محیط امنیتی جدید به شمار رود. هر بازیگری که بتواند از قابلیت گفتمانی، نهادی و کارکردی بیشتری در حوزه راهبردی برخوردار باشد، نقش مؤثرتری در حوزه سیاست دفاعی ایفا می‌نماید (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۴۴).

۲-۱. دیپلماسی دفاعی به منزله تلاش نهادی برای ارتقای قابلیت ساختاری

دیپلماسی دفاعی به منزله ارتقای قابلیت‌های ساختاری برای تحقق هدف‌ها محسوب می‌شود. از طریق دیپلماسی دفاعی می‌توان زمینه‌های لازم برای تحقق هدف‌های راهبردی و کسب قدرت در محیط هرج‌ومرج‌گونه را به دست آورد. چنین روندی را باید بخشی از ضرورت تولید قدرت در محیطی دانست که معطوف به کاربرد ابزارهای متنوع نهادی، راهبردی و کارکردی محسوب می‌شود. به این ترتیب، بُن‌مایه «دیپلماسی دفاعی» به معنی «واداشتن طرف مقابل به انجام دادن کاری بر طبق خواست ما یا بازداشتن او از انجام دادن کاری مطابق اراده کنشگران» است. مهم‌ترین وجه تفاوت این دو مفهوم در بحث «توانایی اعمال قدرت» است. به عبارتی، برای دیپلماسی دفاعی ابتدا

باید «قدرت» و سپس «توانایی کاربرد قدرت» برای تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی و کنش سایر بازیگران در شرایط مبتنی بر همکاری، رقابت، مصالحه و منازعه وجود داشته باشد.

دیپلماسی دفاعی عبارت است از سازوکارهایی که یک دولت برای ارتقای قابلیت راهبردی خود در حوزه دفاع و امنیت از آن بهره می‌گیرد. به طور کلی دیپلماسی دفاعی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌های لازم برای همبستگی راهبردی کشورها در شرایط رقابت، منازعه و در فضای هرج و مرج گونه را فراهم سازد. درباره دیپلماسی دفاعی در ایران مطالب کمی منتشر گردیده است. بیشتر مقاله‌ها و ادبیاتی که در ارتباط با دیپلماسی دفاعی منتشر گردیده بر این موضوع تأکید دارد که چگونه می‌توان از ابزارهای دیپلماتیک برای ارتقای قابلیت راهبردی کشورها بهره گرفت.

جمهوری اسلامی ایران در زمره بازیگرانی محسوب می‌شود که نیاز فراگیری به فرایندهای دیپلماسی دفاعی دارد. حضور در محیط بحرانی را می‌توان در زمره عواملی دانست که اهمیت دیپلماسی دفاعی برای سیاست امنیت جمهوری اسلامی ایران را ارتقا می‌دهد. با توجه به چنین نشانه‌هایی می‌توان تأکید داشت که: «دیپلماسی دفاعی مجموعه تدابیر، روش‌ها و فرایندهای معطوف به متقاعدسازی راهبردی می‌باشد که یک دولت در برخورد با سایر دولت‌ها، جوامع، سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌ها، افراد بیگانه و حوادث و اتفاق‌های جهانی اتخاذ می‌نماید».

۲-۲. دیپلماسی دفاعی به منزله اطمینان بخشی راهبردی

دیپلماسی دفاعی به‌عنوان مفهومی پویا و دارای محتوایی سیال، ادراک دو جنبه همگرا و متقاطع از پیشبرد امنیت ملی در حوزه داخلی و خارجی است. دیپلماسی می‌تواند تأمین‌کننده فرایند مبتنی بر اطمینان بخشی در حوزه امنیت ملی باشد. اطمینان بخشی، ضریب امنیت ملی کشورهای مختلف را در برابر هر گونه تهدید

خارجی افزایش می‌دهد. اطمینان‌بخشی را باید در زمره مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت راهبردی بازیگران مختلف دانست. به این ترتیب، اطمینان‌بخشی را می‌توان یکی از نشانه‌های اصلی دیپلماسی دفاعی در محیط پرتلاطم سیاست بین‌الملل دانست. درباره دیپلماسی دفاعی انگاره‌های متفاوتی وجود دارد. دیپلماسی دفاعی را می‌توان در دوران‌های مختلف تاریخی براساس نشانه‌های متفاوتی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. برای مثال در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۰ ادراک طیف گسترده‌ای از نظامیان بر این موضوع قرار گرفته بود که دیپلماسی دفاعی ماهیت انعطاف‌پذیر و سازشکارانه دارد؛ در حالی که واقعیت دیپلماسی دفاعی متفاوت از چنین انگاره‌ای می‌باشد. کشورهای که نقش مؤثری در سیاست بین‌الملل ایفا می‌کنند، از ایستارهای قدرت‌محور در تبیین دیپلماسی دفاعی بهره می‌گیرند.

۲-۳. دیپلماسی دفاعی به‌منزله گسترش فرایند چندجانبه‌گرایی راهبردی

دیپلماسی دفاعی در هر کشور براساس سنت‌های سیاسی و راهبردی آن کشور شکل می‌گیرد. در دوران پیش از جنگ جهانی دوم، حوزه‌های دیپلماتیک و راهبردی از یکدیگر جدا بوده و هر مجموعه، کارویژه خاصی را عهده‌دار بود. این وضعیت در دوران جدید تغییر یافته است. از یک‌سو، نظامیان در حوزه‌های سیاسی ایفای نقش می‌کنند و از سوی دیگر، مجموعه‌های سیاسی، پژوهشگران و دانشگاهیان در طرح‌ریزی دفاعی و راهبردی فعال شده‌اند. همکاری حوزه‌های یاد شده، نشانه‌هایی از تداخل سازمان‌یافته را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، دیپلماسی دفاعی را می‌توان انعکاس «پیوند اندامواره» حوزه‌های دفاعی و دیپلماتیک برای امنیت‌سازی دانست (مقی، زمستان ۱۳۸۵: ۱۷).

زمانی که تحرک دفاعی و عملیاتی کشورها بیشتر می‌شود، طبیعی است که نیاز آنان به ضرورت‌های دیپلماسی دفاعی نیز افزایش بیشتری خواهد یافت. به عبارت دیگر، می‌توان دیپلماسی دفاعی را وجه ضروری و تکمیلی فعالیت‌های دفاعی و راهبردی

دانست. هرگونه عملیات نظامی، نیازمند تأمین زیرساخت‌های لازم و ضروری برای نیل به مطلوبیت‌های مؤثر می‌باشد. تمامی نظریه‌پردازان بر این موضوع تأکید داشته‌اند که مشروعیت‌سازی کاربرد قدرت کشورها در محیط امنیتی بدون توجه به دیپلماسی دفاعی به مطلوبیت لازم منجر نمی‌گردد.

دیپلماسی دفاعی از جمله مفاهیم راهبردی است که در مقاطع گوناگون تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. برای مثال در خلال جنگ سرد و به واسطه ویژگی‌های نظام بین‌الملل، دیپلماسی دفاعی به معنای کاربرد مؤثر قدرت در محیطی تلقی می‌شد که بتواند زمینه‌های لازم برای همکاری‌های چندجانبه راهبردی را فراهم سازد. به این ترتیب، دیپلماسی دفاعی به مفهوم: «توانایی توسعه روابط چندجانبه بازیگرانی محسوب می‌شود که از قابلیت و ابزارهای مختلفی برای تعامل معطوف به منافع مشترک بهره می‌گیرند.

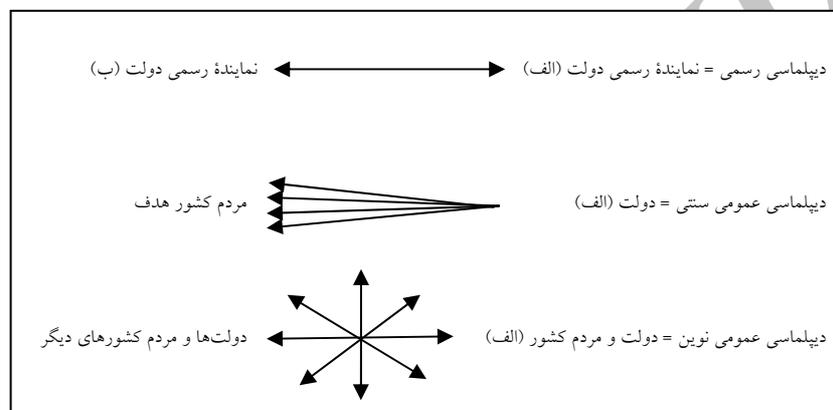
چنین اقدامی نیازمند تقویت زیرساخت‌های قدرت و نفوذ در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. کارویژه اصلی دیپلماسی دفاعی شامل طیف گوناگونی از سازوکارهای راهبردی مانند پیمان‌های دفاعی و همکاری‌های راهکنشی (تاکتیکی) برای تحقق هدف‌های معطوف به امنیت ملی بازیگران در فرایند تعامل چندجانبه با یکدیگر تلقی می‌شود. به هر میزان واحدهای سیاسی از انگیزه‌های راهبردی بیشتری برای تولید قدرت برخوردار باشند، در محیط راهبردی به اطمینان‌بخشی فراگیرتری در حوزه امنیت ملی نایل می‌گردند» (Thompson, 1998: 7).

۳. سطوح دیپلماسی دفاعی

هر یک از نشانه‌های ابعادی سیاست دفاعی را باید بخشی از ضرورت راهبردی واحدهای سیاسی برای تحقق امنیت ملی دانست. این امر نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی مانند سیاست دفاعی دارای دو بُعد داخلی و خارجی است که این دو جنبه، در

هم تنیده‌اند. بُعد خارجی بر استفاده از زور در روابط بین دولت‌ها، دلالت دارد، در حالی که جنبه داخلی آن، اقدام‌های بلندمدت و روزانه دولت‌ها را برای ایجاد توانمندی دفاعی و آمادگی برای به‌کارگیری نیروهای نظامی در برمی‌گیرد (Leeds, 2002: 5).

شکل شماره ۱. بازیگران در سه گونه دیپلماسی



پورحسین، تابستان ۱۳۹۰: ۱۴۷.

در نمودار بالا می‌توان نقش بازیگران در گونه‌های مختلف دیپلماسی را مورد توجه قرار داد. در دیپلماسی رسمی، روابط مقام‌های دیپلماتیک دو کشور (الف) و (ب) مشاهده می‌شود. الگوی تعامل بازیگران در دیپلماسی رسمی، ماهیت خطی و متقابل دارد. در دیپلماسی عمومی، دولت (الف) مبادرت به ایجاد تعامل رسانه‌ای و اجتماعی با گروه‌های اجتماعی کشور (ب) می‌نماید. هدف دیپلماسی عمومی آن است که بتوان بر نگرش و ادراک شهروندان کشور هدف، تأثیر به‌جا گذاشت. الگوی تعامل در دیپلماسی دفاعی مبتنی بر تعامل چندجانبه با بازیگران دولتی و غیردولتی برای تحقق هدف‌های راهبردی می‌باشد.

سیاست دفاعی به‌عنوان بالاترین سند دفاعی کشور، تعیین‌کننده ماهیت و ساختار نظام دفاعی کشور در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. به عبارت دیگر، سیاست دفاعی، ماهیت جهت‌دهنده به رفتار مبتنی بر دیپلماسی دفاعی دارد. اگر سیاست دفاعی ماهیت تعاملی و سازنده داشته باشد، در آن شرایط، زمینه برای بهره‌گیری از الگوهای کنش چندجانبه برای تحقق هدف‌های امنیتی امکان‌پذیر خواهد بود. به بیان روشن‌تر، اینکه سیاست دفاعی کشور بر رویکرد «تهدیدمحوری» که ماهیت سلبی دارد و یا «قابلیت‌محوری» که دارای ماهیت ایجابی می‌باشد، بنا شده است، چنین فرایندی تأثیر مستقیم و عمیقی بر «راهبرد دفاعی»، «دیپلماسی دفاعی»، «روابط دفاعی» و «صنایع دفاعی» خواهد داشت (عسگری، زمستان ۱۳۸۷: ۱۴۲).

جایگاه نظامیان در ساختار دفاعی کشورهای مختلف در وضعیت متمایز شده از یکدیگر قرار دارند. به طور کلی، نظامیان سه گونه رابطه را می‌توانند با دولت ایجاد نمایند. گونه اول، مربوط به شرایطی است که نظامیان مستقل از دولت به ایفای نقش سیاسی مبادرت می‌کنند. چنین وضعیتی را می‌توان در ترکیه، مصر و پاکستان مورد توجه قرار داد. نظامیان از هویت راهبردی، نقش اجتماعی و جایگاه سیاسی مؤثری در روند تولید قدرت برخوردارند. آنان جایگاه خود را فراتر از دولت می‌دانند. به همین دلیل است که دولت تلاش می‌کند تا هدف‌های راهبردی نظامیان را مورد توجه قرار دهد.

گونه دوم تعامل نظامیان با دولت، مربوط به شرایطی است که نظامیان تابع دولت باشند. به عبارت دیگر در چنین فرایندی، ساختار سیاسی می‌تواند رویکرد عملیاتی و اجرایی نظامیان را واپایش نماید. در کشورهای عراق در دوران صدام حسین، سوریه در دوران حافظ اسد و بشار اسد، همچنین در بسیاری از کشورهای دیوان‌سالار، نظامیان از هویت مستقل برخوردار نبوده و یا نیستند. الگوی کنش آنان را باید براساس رویکردی دانست که کارگزاران سیاسی بر آن تأکید دارند. این رویکرد بیشتر تحت تأثیر راهبردهایی است که در قرن ۱۹ توسط کلاوزویتس و ژومینی ارائه شده است.

گونه سوم را می‌توان مربوط به نقش نظامیان در کشورهایی دانست که آنان مسلط بر فضای سیاسی می‌باشند. به عبارت دیگر، نظامیان حوزه سیاست را واپایش می‌کنند. چنین وضعیتی را می‌توان در اوایل دهه ۱۹۷۰ در ترکیه و در اواخر دهه ۱۹۸۰ در پاکستان مورد ملاحظه قرار داد. کودتای نظامیان در شرایطی انجام می‌گیرد که کارگزاران سیاسی، قادر به تحقق هدف‌های راهبردی نظامیان نمی‌باشند. در این‌گونه کشورها نیروهای نظامی به گونه‌های متفاوتی در حوزه سیاستگذاری و تولید قدرت نقش آفرینند.

درباره سطوح و هدف‌های کارکردی دیپلماسی دفاعی، رهیافت‌های مختلفی ارائه شده است. نظریه پردازانی مانند «میتز» بر این اعتقادند که دیپلماسی دفاعی، مقدمه اقدام‌های راهبردی با سطوح تکامل یافته‌ای می‌باشد. «میتز» این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد که دیپلماسی دفاعی می‌تواند فرایند تصاعد کنش‌های راهبردی برای کاهش تهدیدها را فراهم سازد. در برخی از مقاطع زمانی، تهدیدها ماهیت تصاعديابنده و در برخی دیگر، ماهیت واپایش‌شونده دارد. دیپلماسی دفاعی را می‌توان به‌عنوان نیروی تأثیرگذار برای تحقق هدف‌ها در دو سطح تصاعد منازعه و واپایش تهدیدها دانست.

در یک حالت کلی می‌توان دیپلماسی دفاعی را مجموعه اقدام‌های نظامی یا دفاعی در خارج از کشور برای تأمین منافع امنیت ملی آن کشور تعریف کرد. این مجموعه اقدام‌ها می‌تواند شامل طیفی از همکاری‌های نظامی در سه سطح دولتی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. گفتنی است که هر کشوری بر اساس مقیاس توسعه‌یافتگی خود می‌تواند برخی از حوزه‌های کنش راهبردی را در دستورکار قرار دهد. ضرورت‌های تعامل راهبردی ایجاب می‌کند که بازیگران از گزینه‌های متنوعی در روند تحقق هدف‌های راهبردی خود استفاده نمایند (Shea, July 2005: 33).

جدول زیر را می‌توان نماد ارتباط سطوح و نشانه‌های دیپلماسی دفاعی دانست. در این جدول می‌توان سه موضوع را از یکدیگر تفکیک نمود. در قسمت اول می‌توان

سطوح دیپلماسی دفاعی را در حوزه دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار داد. در ستون دوم و سوم الگوهای همکاری مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، الگوی کنش بازیگران در روند دیپلماسی دفاعی در سطح تعاملی شامل طیف گسترده‌ای از گزینه‌های ارتباطی می‌شود. هر یک از این گزینه‌ها بخشی از ضرورت دیپلماسی دفاعی را منعکس می‌سازد.

جدول شماره ۱. سطوح و ابعاد دیپلماسی دفاعی

نشانه‌های کنش و تعامل بازیگران در فرایند همکاری‌های راهبردی	الگوی همکاری‌های راهبردی	سطوح دیپلماسی دفاعی
<ul style="list-style-type: none"> - مبادله‌های آموزشی نظامی - اعزام وابسته نظامی - توافق‌های دفاعی دوجانبه - همکاری علمی (نظامی) و فنی (نظامی) - مذاکره برای ایجاد پایگاه نظامی - توافق در مورد انجام رزمایش‌های مشترک - دیدار رسمی ناوگان دریایی - همکاری‌های فرودگاهی - فروش و تعمیر تسلیحات نظامی - انتقال فناوری 	<ul style="list-style-type: none"> - همکاری‌های نظامی دوجانبه 	<ul style="list-style-type: none"> - سطح دوجانبه - دولت - دولت
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد ساختارهای امنیتی منطقه‌ای - حل منازعه‌های منطقه‌ای - جلوگیری از بروز منازعه‌های منطقه‌ای - حضور در پیمان‌های امنیتی - رزمایش‌های منطقه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> - همکاری‌های نظامی منطقه‌ای 	<ul style="list-style-type: none"> - سطح منطقه‌ای
<ul style="list-style-type: none"> - حضور در عملیات حفظ صلح سازمان ملل - حضور در عملیات بشردوستانه سازمان ملل - حضور در پیمان‌های نظامی فرامنطقه‌ای - کمک به فرایند مداخله نظامی - همکاری با بازیگران در روند اقدام‌های نظامی - ائتلاف‌های راهکنشی و راهبردی - امضای یادداشت‌های امنیتی و انجام مذاکرات راهبردی 	<ul style="list-style-type: none"> - همکاری‌های راهبردی 	<ul style="list-style-type: none"> - سطح بین‌المللی

۴. فرایند تحول نشانه‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

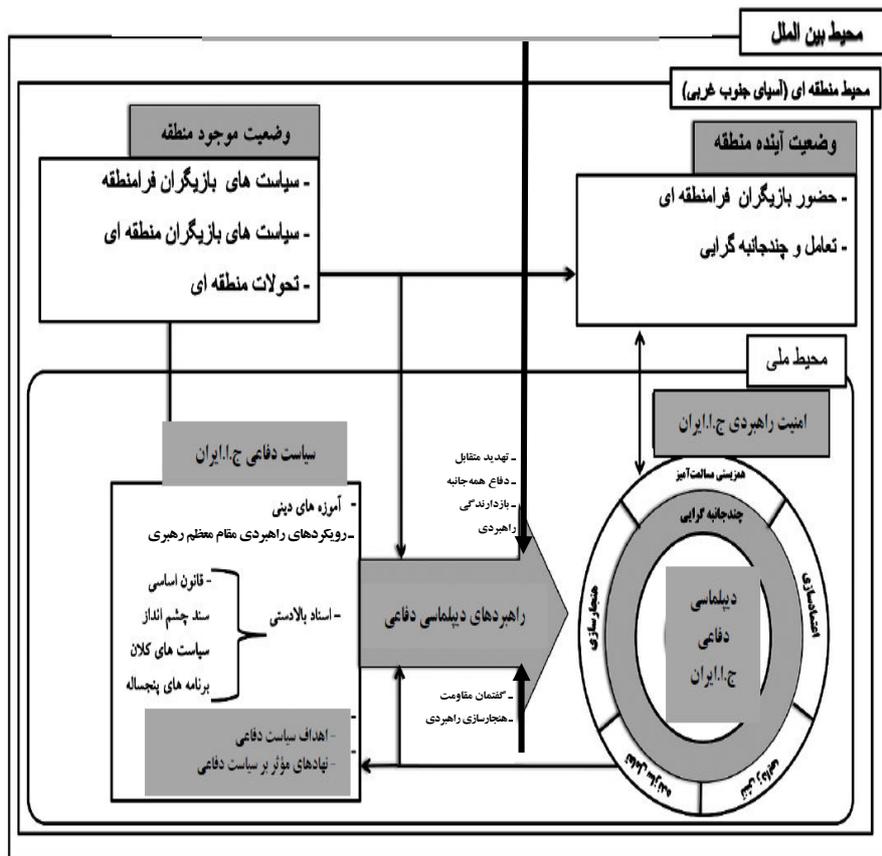
فرایند تولید گفتمان و اجرای دیپلماسی دفاعی در وزارت دفاع به‌عنوان یکی از عوامل و عناصر قدرت، مربوط به دوران امیر دریا بان شمشانی می‌باشد، اما چنین روندی در دوران وزارت محمدحسن نجّار در وزارت دفاع دچار وقفه گردید. گام سوم در فرایند شکل‌گیری و ارتقای دیپلماسی دفاعی مربوط به دوران سردار وحیدی می‌باشد. نامبرده که دارای تجاربی در حوزه دفاعی - امنیتی مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است، دیپلماسی دفاعی را بخشی از ضرورت امنیت ملی در شرایط بحران‌های منطقه‌ای می‌داند. شاید بتوان این موضوع را مورد توجه قرار داد که فرایند دیپلماسی دفاعی ایران در دوران سردار وحیدی، تداوم الگو و زیرساخت‌هایی بوده است که در سال‌های وزارت دفاع امیردریا بان شمشانی آغاز گردیده است.

گرچه جهت‌گیری کلی سیاست دفاعی و دیپلماسی دفاعی ایران براساس نشانه‌هایی از سیاست عدم تعهد شکل گرفته است، اما چنین فرایندی را می‌توان معطوف به چگونگی تعامل ایران با قدرت‌های بزرگ دانست. الگوی رفتار ایران با بازیگران منطقه‌ای و گروه‌های اجتماعی، مبتنی بر الهام‌بخشی بوده است. این موضوع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز تصریح شده است. در چنین روندی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که جهت‌گیری ائتلاف نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گونه‌ای، تداوم یافته است. جنبش‌های انقلابی، نهضت‌های آزادی‌بخش، گروه‌های سیاسی انقلابی و مجموعه‌هایی که دارای قابلیت لازم برای انجام «حمایت‌های ناهمگون» از منافع و امنیت ملی ایران بوده‌اند، در زمره بازیگران ائتلاف با ایران در سطح بازیگران فروملی قرار گرفته‌اند. این روند به گونه‌ی مرحله‌ای دچار تحول گردیده و آثار خود را در شکل‌بندی‌های قدرت و موازنه منطقه‌ای به‌جا گذاشته است (ترابی، زمستان ۱۳۸۴: ۶۸).

۱-۴. راهبرد نهضتی در دیپلماسی دفاعی ج.ا. ایران

اثر بخشی قالب‌های گفتمانی مبتنی بر الهام‌بخشی اندیشه‌های انقلاب اسلامی که دارای رویکرد متعارض با نشانه‌های اقتدارگرایی، استبدادی، دست‌نشانده‌گی و وابستگی هستند را می‌توان در جنبش اجتماعی کشورهای مختلف خاورمیانه مورد ملاحظه قرار داد. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده که بخشی از شاخص‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند، زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی انقلاب کشورهای جهان عرب را شکل می‌دهد.

شکل شماره ۲. چارچوب مفهومی و فرایندی دیپلماسی دفاعی ج.ا. ایران



یکی از شاخص‌های اصلی قدرت نرم ایران را می‌توان افزایش مطالبه‌های گروه‌های اجتماعی در کشورهای منطقه دانست؛ مطالبه‌هایی که مبتنی بر گسترش مشارکت اجتماعی می‌باشد. هرگونه مشارکت اجتماعی، زیرساخت‌های لازم را برای جنبش سیاسی منطقه‌ای فراهم می‌سازد. در این ارتباط، اندیشه معطوف به مشارکت‌گرایی، استقلال و آزادی خواهی مبتنی بر قدرت نرم ایران با روح اقتدارگرایی رهبران جهان عرب، متفاوت و مغایر می‌باشد. در این ارتباط، کنش گروه‌های اجتماعی در کشورهای خاورمیانه به گونه‌ای است که می‌تواند زمینه‌های ساختارشکنی سیاسی و اجتماعی را در طیف گسترده‌ای از کشورهای منطقه فراهم آورد (متقی و رشاد، تابستان ۱۳۹۰: ۱۲۷).

رسانه‌های اجتماعی یکی از ابزارهای جنبش‌های سیاسی خاورمیانه محسوب می‌شود. به طور کلی، رسانه‌های اجتماعی از تنوع قابل توجهی برخوردارند. اصلی‌ترین ویژگی این رسانه‌ها را می‌توان تکثیر مفاهیم و انتقال ادبیاتی دانست که زمینه‌تهدیج گروه‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. اگرچه در فرایند تحولات اجتماعی کشورهای خاورمیانه برخی از رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی دارای نقش تحرک‌بخش به گروه‌های اجتماعی بودند، اما مفاهیمی که در این رسانه‌ها بازتولید می‌شد، با شاخص‌های هنجاری و گفتمانی انقلاب اسلامی همخوانی و هماهنگی داشته است (Gates, Jan-Feb 2009: 25).

جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های گوناگون قدرت، سرمایه‌گذاری نمود که در این رابطه می‌توان به جنبش حزب‌ا... و نیز توانمندی‌های تجهیزاتی گوناگون از طیف‌های ساده تا پیچیده‌ترین آن یعنی قدرت موشکی با سوخت مایع و جامد (مانند شهاب و سجیل) و تا قدرت دریایی که نطفه‌های اصلی آن در عملیات خیبر و بدر پایه‌گذاری شد، در والفجر ۸ قوام یافت و پس از آن از انتهای دهه ۱۳۶۰ (سال ۱۳۶۸) تا نیمه دهه ۱۳۸۰ (سال ۱۳۸۴) به بلوغ کامل نشست و ابعاد زیرسطحی آن، براساس قابلیت دریایی شکل گرفت. جمهوری اسلامی ایران براساس رویکرد راهبردی و مبتنی

بر شناخت تهدیدهای محیطی به این جمع‌بندی رسید که بخشی از تهدیدهای آینده از دریا خواهد بود و یا پاسخ به هر نوع تهدیدی باید از حوزه دریایی انجام پذیرد. از این رو مبادرت به ارتقای قابلیت‌هایی نمود که بتواند به‌عنوان مکمل قدرت بازدارندگی ایفای نقش نماید (شمخانی، ۱۳۷۸: ۱).

نتایج حاصل از تجارب راهبردی ایران دارای آثار منطقه‌ای مؤثری بوده است؛ به گونه‌ای که دنیس بلر، مدیر اداره اطلاعات آمریکا، از سه قدرت بازدارنده «قدرت نهضتی»، «قدرت دریایی» و «قدرت موشکی» ج.ا.ایران در کنار هم به‌عنوان یک قابلیت بازدارنده یاد می‌کند. پاسخگویی راهکنشی به طور هم‌زمان به نیازمندی‌های میدانی، توانمندی‌های مهمی را فراهم نموده است که باید همواره نسبت به چگونه نهادینه کردن آن و اجتناب از غفلت از آن حساس بود.

۲-۴. همزیستی مسالمت‌آمیز در دیپلماسی دفاعی ایران

دومین مرحله از فرایند تحول دیپلماسی دفاعی ایران مربوط به سال‌های دهه ۱۳۷۰ می‌باشد. در این دوران، نشانه‌هایی از همکاری‌های منطقه‌ای در قالب تنش‌زدایی شکل گرفته است. کارگزاران سیاست دفاعی ایران در این دوران تلاش داشتند تا خلأ قدرت عراق در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و خاورمیانه را از طریق فرایندهای مرحله‌ای واپایش نمایند. بهره‌گیری از رویکرد همزیستی مسالمت‌آمیز بیشترین مطلوبیت راهبردی برای سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به‌وجود آورد.

همزیستی مسالمت‌آمیز نه تنها در سیاست خارجی بلکه در حوزه مربوط به راهبرد دفاعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. واحدهای سیاسی در شرایطی از الگوی همکاری‌جویانه استفاده می‌کنند که دارای منافع امنیتی مشترک و مؤثری باشند. به طور کلی، همزیستی مسالمت‌آمیز به‌منزله کنار گذاشتن الگوی تقابل و تعارض محسوب می‌شود. به این ترتیب، همکاری و همزیستی با سایر بازیگران و کشورها به‌عنوان ابزار

مهم سیاست خارجی و دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در فرایند حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها در محیط پرتنش منطقه‌ای خاورمیانه و آسیای جنوب غربی خواهد بود (Vuving, 2004: 35).

۳-۴. تعامل سازنده در دیپلماسی دفاعی ایران

دیپلماسی دفاعی ایران در سومین مرحله از تکامل راهبردی خود تلاش داشت تا زمینه‌های لازم برای ارتقای همبستگی‌های راهبردی با کشورهای منطقه‌ای را به وجود آورد. الگوی تعامل در این دوران براساس رهیافت‌های کلان سیاست خارجی ایران در قالب تعامل سازنده شکل گرفته است. تعامل سازنده، مفهومی شناخته‌شده و بین‌المللی است که نیاز به درک، تفسیر و بازاندیشی ژرف بر اساس شرایط داخلی و منافع ملی کشور دارد.

تعامل سازنده به مفهوم جلوه‌هایی از ارتباط چندسطحی برای ایفای نقش و ایجاد تعادل در حوزه رفتاری می‌باشد. تعامل سازنده به‌عنوان اتخاذ سیاستی فعال، پویا، تأثیرگذار، جهت‌دار، با آگاهی و شناخت دقیق از معادله‌های سیاسی جامعه بین‌المللی، خروج از جایگاه متهم و قرار گرفتن در جایگاه مدعی، ورود به عرصه سیاست جهانی به‌عنوان بازیگری قدرتمند با عبور از مرحله تنش‌زدایی است. تعامل در سیاست خارجی بسیاری از کشورها به‌عنوان زیربنای امنیت‌سازی تلقی می‌شود. این امر برای هدف‌سازی سیاست خارجی ایران به‌عنوان ضرورت اجتناب‌ناپذیر مورد تأکید قرار گرفته است (Maccormic and Lindsay, 2009: 21).

با توجه به نوع روابط غرب با جمهوری اسلامی ایران، برخی از صاحب‌نظران نقش تعامل در سیاست خارجی ایران را بسیار مهم قلمداد می‌نمایند. از نظر این پژوهشگران تعامل‌گرایی سیاست خارجی ایران می‌تواند طیف گسترده‌ای از بازیگران را در حوزه‌های مختلف سیاسی و راهبردی کشورهای متحد، رقیب، چالش‌گر و معارض

شناسایی نماید. هر یک از این بازیگران، می‌توانند نقش‌های مختلفی را در ارتباط با محدودسازی اقدام‌های تهاجمی آمریکا و جهان غرب ایفا نمایند. ایران و کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی فقط در شرایطی می‌توانند در روند تعامل سازنده قرار گیرند که از منافع مشترک برخوردار باشند. هویت مشترک به‌عنوان نمادی از منافع کشورها تلقی می‌شود، اما به سایر زمینه‌های مشترک برای برقراری و توسعه روابط نیاز است (متقی، پاییز ۱۳۸۹: ۱۸۳).

۴-۴. موازنه منطقه‌ای و مقاومت‌گرایی در دیپلماسی دفاعی ایران

سیاست دفاعی و راهبرد امنیتی ایران بر جلوه‌هایی از موازنه‌گرایی قرار دارد. از آنجا که ایالات متحده تلاش دارد تا از سیاست سیطره‌جویی منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کند، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که راهبرد موازنه منطقه‌ای در دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران دارای جهت‌گیری و نشانه‌های مبتنی بر مقاومت‌گرایی خواهد بود. برخی صاحب‌نظران در تعامل‌گرایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به تلفیقی از تعامل‌گرایی و مقاومت‌گرایی قائل هستند؛ به این مفهوم که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی از یک‌سو باید بر تعامل با سایر بازیگران و از سوی دیگر بر مقاومت‌گرایی در برابر سیاست قدرت‌های بزرگ در منطقه آسیای جنوب غربی تأکید نماید. بر این مبنا، مفهوم مقاومت‌گرایی با موازنه‌گرایی یا ائتلاف‌سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در مقطع کنونی، موازنه‌گرایی در سیاست خارجی فقط به ایجاد یک ساختار موازنه قوا محدود نمی‌شود و دولت‌ها در شرایط و موضوع‌های مختلف اقدام به موازنه‌سازی می‌نمایند. برخی اوقات موازنه‌گرایی به‌منظور مقاومت در برابر سیاست‌های سایر بازیگران دنبال می‌شود. به عبارت دیگر، موازنه‌گرایی در چارچوب مقاومت‌گرایی بروز و ظهور می‌یابد. ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی خود را بر

موازنه‌گرایی با هدف مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ تنظیم نموده است؛ زیرا پیش از انقلاب اسلامی، ایران جزو کشورهای متعهد به غرب و در زمره متحدان راهبردی آمریکا محسوب می‌شد.

نشانه‌های چندجانبه‌گرایی راهبردی در فضای مقاومت را می‌توان تابعی از روابط ایران با جنبش‌های انقلابی و نهضت‌های آزادیبخش دانست. چنین فرایندی، بخشی از نیاز امنیت جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدهای راهبردی در فضای منطقه‌ای محسوب می‌شود. به طور کلی کشورهایی که از قابلیت لازم برای چندجانبه‌گرایی برخوردارند، تلاش می‌کنند تا زمینه‌های لازم برای مقابله با تهدیدها از طریق تقویت نیروهای فرمانطقه‌ای را به وجود آورند. همکاری‌های ایران با حماس، حزب‌الله و جهاد اسلامی در این فرایند مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴-۵. دیپلماسی دفاعی ایران در فرایند بیداری اسلامی مصر و تونس

مصر و تونس را می‌توان در زمره کشورهای دانیست که بخشی از حوزه الهام‌بخشی راهبردی ج.ا.ایران محسوب می‌شوند. زیرساخت‌های فرهنگی، مبانی اندیشه سیاسی و رویکرد ایدئولوژیک گروه‌های اجتماعی در این کشورها بر مبنای نشانه‌هایی از اسلام‌گرایی و هویت اسلامی شکل گرفته است. تحرک ژئوپلیتیکی ایران در کشورهای شمال آفریقا با محدودیت‌های راهبردی قدرت‌های بزرگ روبه‌رو گردیده است. با توجه به چنین فرایندی، بیداری اسلامی را می‌توان به‌عنوان نقطه عطفی برای تحول حوزه دیپلماسی دفاعی ایران در محیط منطقه‌ای دانست.

همان‌گونه که ج.ا.ایران نیازمند تأثیرگذاری بر فضای اجتماعی کشورهای جنوب غربی آسیا و شرق مدیترانه می‌باشد، نیاز قابل توجهی به اثرگذاری در محیط ساختاری و نظامی کشورهای مربوط دارد. طبیعی است که تحقق چنین فرایندی از طریق سازوکارهای دیپلماسی دفاعی حاصل می‌گردد. تبیین تهدیدهای منطقه‌ای و

برگزاری نشست‌های راهبردی در ارتباط با موضوع‌های منطقه‌ای در کشورهای مصر و تونس دارای مخاطبان بسیار زیادی می‌باشد. نظامیان مصر مانند نظامیان پاکستان دارای زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی - هویتی می‌باشند.

در چنین کشورهایی می‌توان موضوع تهدید مشترک و چگونگی مقابله با تهدیدهای مشترک را مورد بررسی قرار داد. تمامی کشورهای حوزه شمال آفریقا و شرق مدیترانه حساسیت‌های امنیتی نسبت به نقش آفرینی راهبردی رژیم صهیونیستی دارند. چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌های ایجاد همکاری‌های راهکنشی برای هماهنگ‌سازی رویکرد راهبردی کشورهای منطقه را به وجود آورد. هرگونه ابتکار ژئوپلیتیکی ایران در حوزه دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای در عصر بیداری اسلامی می‌تواند پیامدهای مؤثری برای جایگاه‌یابی راهبرد دفاعی ج.ا.ایران در منطقه را فراهم سازد.

برای مقابله با چنین تهدیدهایی ضرورت کاربرد دیپلماسی دفاعی ایران در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کشورهای روسیه و چین در زمره بازیگرانی محسوب می‌شوند که در نقطه مقابل سیاست امنیتی آمریکا قرار دارند. کشور فرانسه نیز رویکرد متفاوتی در ارتباط با سوریه و حزب‌الله لبنان در مقایسه با آمریکا و انگلستان دارد. در چنین شرایطی لازم است تا موضوع دیپلماسی دفاعی ایران در راستای هنجارسازی و تنش‌زدایی سازماندهی شود. مقابله با تهدیدهای عربستان از طریق متنوع‌سازی حوزه تحرک دیپلماسی دفاعی ایران امکان‌پذیر خواهد بود.

در چنین شرایطی، انقلاب اجتماعی جایگزین کودتا و یا جلوه‌های دیگری از براندازی می‌شود. چنین الگویی را اواما در ارتباط با سوریه مورد استفاده قرار داده است. هدف اصلی اواما را می‌توان ایجاد آشوب سیاسی از طریق گروه‌هایی دانست که دارای پیوندهای هویتی و ایدئولوژیک با عربستان سعودی می‌باشند. از سوی دیگر آمریکا فشارهای بین‌المللی گسترده و فراگیری علیه سوریه اعمال کرده است. از جمله این اقدام‌ها می‌توان به ارسال پرونده هسته‌ای سوریه به شورای امنیت سازمان ملل

اشاره داشت. افزون بر آن، تحریم‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی علیه مقام‌های سوریه اعمال گردیده است.

دیپلماسی دفاعی ایران باید معطوف به کاهش قدرت گروه‌های مسلح در سوریه باشد. به این ترتیب، شکل‌گیری فرایندهایی مانند آتش‌بس در زمره ضرورت‌های راهبردی ایران در منطقه محسوب می‌شود. کشور مصر نیز دارای رویکرد متفاوتی با عربستان درباره محیط امنیت منطقه‌ای می‌باشد. ارتش مصر، رویکرد متفاوتی با گروه‌های سلفی دارد که از سوی عربستان حمایت می‌شوند. بنابراین باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد که امنیت منطقه‌ای در شرایطی می‌تواند از اهمیت راهبردی برای جمهوری اسلامی برخوردار باشد که زمینه‌های لازم برای ایجاد تعامل در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم سازد. چندجانبه‌گرایی راهبردی می‌تواند زمینه‌های حاشیه‌ای‌سازی عربستان سعودی و گروه‌های مسلح را ایجاد نماید.

ضرورت‌های پیگیری دیپلماسی دفاعی در سوریه و مصر از این جهت اهمیت دارد که مناطق همجوار این کشورها به عنوان خط محوری منازعه محسوب می‌شود. از سوی دیگر، الگوی دیپلماسی دفاعی ایران باید معطوف به حداکثرسازی قابلیت دفاعی راهکنشی و عملیاتی سوریه برای مقابله با گروه‌های سلفی باشد که جنگ مسلحانه را در این کشور گسترش داده‌اند. یکی از راه‌های مدیریت بحران سوریه از طریق دیپلماسی دفاعی را باید تغییر سطح منازعه از رویارویی مسلحانه به فرایندهای امنیتی دانست. در چنین شرایطی، الگوی تعامل، ماهیت اجتماعی پیدا می‌کند. هرگونه آتش بس می‌تواند زمینه‌های کاهش تهدیدها در شرایط تغییر یافته امنیتی را در محیط منطقه‌ای در راستای مدیریت بحران به وجود آورد.

۵. الگوسازی فرایندی دیپلماسی دفاعی پویا در ج.ا.ایران

الگوسازی در سازماندهی دیپلماسی دفاعی پویا، بخشی از ضرورت‌های راهبردی ج.ا.ایران محسوب می‌شود. هرگونه فرایندی، نیازمند سازماندهی عناصر و تنظیم سازوکارهایی می‌باشد که زمینه‌های لازم برای نقش‌آفرینی بازیگران، نهادها، ساخت‌ها و فرایندهای کنش را امکان‌پذیر سازد. دیپلماسی دفاعی پویا در ساختار راهبردی ج.ا.ایران از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند سازوکارهای جدید برای ایفای نقش نهادهای نظامی، دیپلماتیک، رسانه‌ای، دانشگاهی و امنیتی را برای ارتقای قابلیت‌های ساختاری ج.ا.ایران فراهم آورد.

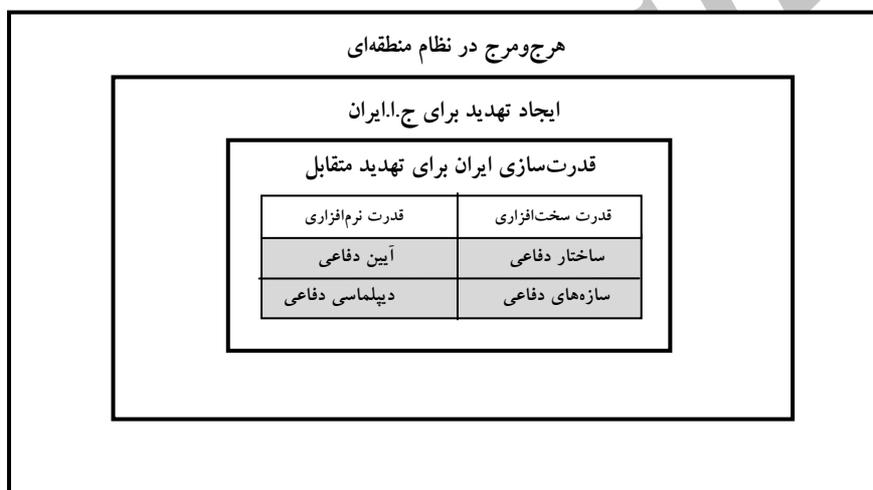
اهمیت دیپلماسی دفاعی در ساختار راهبردی ج.ا.ایران تابعی از ضرورت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. مفروض اصلی این پژوهش بر این امر قرار دارد که ساختار نظام بین‌الملل و محیط منطقه‌ای در شرایط هرج و مرج گونه قرار دارد. بنابراین دیپلماسی دفاعی باید بتواند زمینه‌های لازم برای غلبه بر هرج و مرج و تهدیدهای بازیگران را به وجود آورد. در چنین شرایطی، دیپلماسی دفاعی، بخشی از معادله قدرت در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. بیان چنین رویکردی به مفهوم آن است که به هر میزان قابلیت یک کشور برای مقابله با تهدیدها افزایش یابد، نیاز راهبردی چنین بازیگرانی برای بهره‌گیری از سازوکارهای متنوع تولید قدرت بیشتر می‌شود.

۱-۵. ادبیات روابط و سیاست بین‌الملل در سال‌های دهه ۱۹۹۰ ماهیت تهاجمی پیدا کرد. نشانه آن را می‌توان در تهدیدهای نوظهور نظام سلطه علیه ایران دانست. در دوران ریاست جمهوری جورج بوش چنین تهدیدهایی علیه ج.ا.ایران از توسعه قابل توجهی برخوردار شده بود. در این دوران، تهدیدهای جدیدی فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است. رویکرد «محور شرارت» نشان‌دهنده تهدیدهای سیاست بین‌الملل علیه ایران محسوب می‌شود. مقابله با چنین تهدیدهایی ایجاب

می‌نماید تا درک دقیق‌تری از کاربرد دیپلماسی دفاعی برای مقابله با تهدیدها وجود داشته باشد. نتایج حاصل از بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی دفاعی پویا در جمهوری اسلامی ایران فقط در شرایطی می‌تواند حاصل گردد و مطلوبیت‌های راهبردی لازم را به وجود آورد که شرایط مقابله با تهدیدها از طریق تولید قدرت وجود داشته باشد.

شکل شماره ۳. الگو و سطوح کنش در دیپلماسی دفاعی پویا

هرج و مرج در نظام بین‌الملل



۲-۵. دیپلماسی دفاعی پویا برای مقابله با تهدیدهای محیط منطقه‌ای آسیای جنوب غربی، شرق مدیترانه و شمال آفریقا سازماندهی گردیده است. چنین مؤلفه‌ای نشان می‌دهد که دیپلماسی پویا باید معطوف به ایفای نقش در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. به هر میزان، تهدیدها افزایش بیشتری پیدا کند، محیط امنیتی و همچنین محیط منطقه‌ای، مخاطره‌های بیشتری را برای جمهوری اسلامی ایجاد خواهد کرد. در الگوی مفهومی می‌توان نقش محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را مورد ارزیابی قرار داد.

در شرایطی که تهدیدهای محیطی در قالب مناقشه، جنگ و رویارویی گسترش یابد، آثار خود را در محیط منطقه‌ای و در ارتباط با ضرورت‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی منعکس می‌سازد. هم‌اکنون نشانه‌هایی وجود دارد که تضادهای راهبردی متنوعی علیه ایران مشاهده می‌شود. به‌طور کلی، نهادسازی، تابعی از ضرورت تولید قدرت برای ج.ا.ایران می‌باشد. در فرایندهای گسترش تهدیدهای منطقه‌ای، ج.ا.ایران نیازمند مشروعیت‌یابی کنش منطقه‌ای است.

دیپلماسی دفاعی، بخشی از فرایند مشروعیت‌یابی کنش منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدهاست. تهدیدها در محیط منطقه‌ای ایران در حال گسترش بوده و نشانه‌هایی از ضرورت مقابله با تهدیدها از طریق سازوکارهایی مانند دیپلماسی دفاعی اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین لازم است تا مشروعیت‌یابی راهبردی ایران از دو طریق مورد پیگیری قرار گیرد. مشروعیت‌یابی سخت‌افزاری، نیازمند تولید قدرت می‌باشد. مشروعیت‌یابی نرم‌افزاری، نیازمند انگیزه برای کاربرد قدرت و مشروع‌سازی فرایندهای معطوف به کاربرد قدرت تلقی می‌گردد.

دیپلماسی دفاعی بدون توجه به قابلیت‌های ساختاری امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین موضوع‌هایی از جمله نیروی انسانی، بودجه نظامی، فناوری راهبردی، ایده‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها به‌عنوان زیرساخت‌های تحلیلی و کارکردی دیپلماسی دفاعی محسوب می‌شود. در چنین فرایندی، نیروی انسانی، ایده‌ها، هنجارها و گفتمان‌ها به‌عنوان نشانه‌های قدرت نرم راهبردی محسوب می‌شود. چنین قابلیت‌هایی باید به موازات توانمندی‌های سخت‌افزاری از جمله فناوری راهبردی، صنایع نظامی و بودجه‌بندی دفاعی مورد توجه قرار گیرد. دیپلماسی دفاعی پویا، زمانی می‌تواند در محیط تهدیدآمیز به نقش‌آفرینی مبادرت نماید که از قابلیت سخت‌افزاری لازم برخوردار بوده و به موازات آن، زمینه‌های تولید قدرت نرم‌افزاری نیز فراهم گردد.

شکل شماره ۴. سازوکارهای دیپلماسی دفاعی ایران برای مقابله با تهدیدها

تهدیدهای ناشی از ساختار و بازیگران بین‌المللی

سازوکارهای ج.ا.ایران برای مقابله با تهدیدها

ضرورت‌های دیپلماسی دفاعی (به‌مثابه مشروعیت‌یابی نرم‌افزاری)	ضرورت‌های سازه‌یابی راهبردی (به‌مثابه مشروعیت‌یابی سخت‌افزاری)
- انگیزه تولید و کاربرد قدرت	- بهینه‌سازی ساختار نظامی
- مشروع‌سازی تولید و کاربرد قدرت	- خودکفایی ابزارهای نظامی
- متقاعدسازی بازیگران	- تنوع عملیاتی در آرایش نظامی
- ائتلاف‌سازی بازیگران	- نمایش قدرت در رزمایش‌های عملیاتی

۳-۵. تبیین مفهوم دیپلماسی دفاعی پویا براساس رویکردهای مختلفی انجام می‌گیرد. در این پژوهش تلاش شده است تا رابطه اندامواره بین وضعیت موجود و همچنین آینده منطقه تبیین گردد. چندین مفهوم اصلی در تبیین دیپلماسی دفاعی مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله این مفاهیم می‌توان به نشانه‌هایی اشاره داشت که در رویکرد مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز، رهیافت‌های ارائه شده در سیاست‌های کلی نظام آورده شده است. هر یک از این مفاهیم، بخشی از واقعیت‌های الگویی و کارکردی الگوی دیپلماسی دفاعی پویا محسوب می‌شود. از جمله این مفاهیم می‌توان به تولید قدرت، تهدید متقابل، بازدارندگی، دفاع همه‌جانبه، چندجانبه‌گرایی، همزیستی

مسالمت‌آمیز و هنجارسازی اشاره داشت. مؤلفه‌های یادشده را باید در قالب نشانه‌های قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد توجه قرار داد.

نشانه‌های دیپلماسی دفاعی را باید در قالب اثربخشی و چندجانبه‌گرایی راهبردی مورد توجه قرار داد. به عبارتی دیگر اثربخشی باید بتواند چندجانبه‌گرایی راهبردی را تحقق بخشد. هر یک از فرایندهای یادشده بخشی از ضرورت امنیت ملی جمهوری اسلامی در حوزه دفاع تلقی می‌گردد. در چنین فرایندی لازم است تا نشانه‌هایی از تناسب در فضای کنش راهبردی با تهدیدهای امنیتی و ضرورت‌های ژئوپلیتیکی به وجود آید.

شکل شماره ۵. عناصر ادراکی تأثیرگذار در دیپلماسی دفاعی ج.ا. ایران

دیپلماسی دفاعی در راهبرد امنیتی ج.ا. ایران

استاد راهبردی	هدف‌های راهبردی	نهادها و نشانه‌های راهبردی
- آموزه‌های دینی	- ائتلاف‌گرایی منطقه‌ای	- مراکز مطالعات راهبردی
- رهیافت‌های مقام معظم رهبری	- موازنه‌گرایی راهبردی	- گفت‌وگوهای راهبردی
- قانون اساسی و سند چشم‌انداز	- بازدارندگی منطقه‌ای و بین‌المللی	- روابط راهبردی ائتلاف‌گرا
- سیاست‌های کلان و برنامه‌های ۵ ساله	- دفاع همه‌جانبه	- مواضع و رویکردهای راهبردی

۴-۵. فرایند تکامل دیپلماسی دفاعی به‌گونه‌ای است که باید محیط راهبردی مورد ارزیابی قرار گیرد. به عبارتی دیگر، دیپلماسی دفاعی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای مقابله با تهدید تلقی می‌شود. در برخی از مواقع، تهدیدها، ماهیت تدریجی و غافلگیرکننده دارد. در چنین شرایطی لازم است تا الگوهای چندجانبه راهبردی براساس پیوند مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود داشته باشد. فرایند اجرای دیپلماسی دفاعی پویا در شرایطی حاصل می‌گردد که معادله گفتمان - قدرت وجود داشته باشد. در این معادله، راهبرد باید معطوف به تولید قدرت باشد. به این ترتیب در شرایطی که راهبردهای دیپلماسی دفاعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان نشانه‌هایی از قدرت‌سازی سخت‌افزاری به موازات فرایندهای دیپلماسی دفاعی را مورد ملاحظه قرار داد.

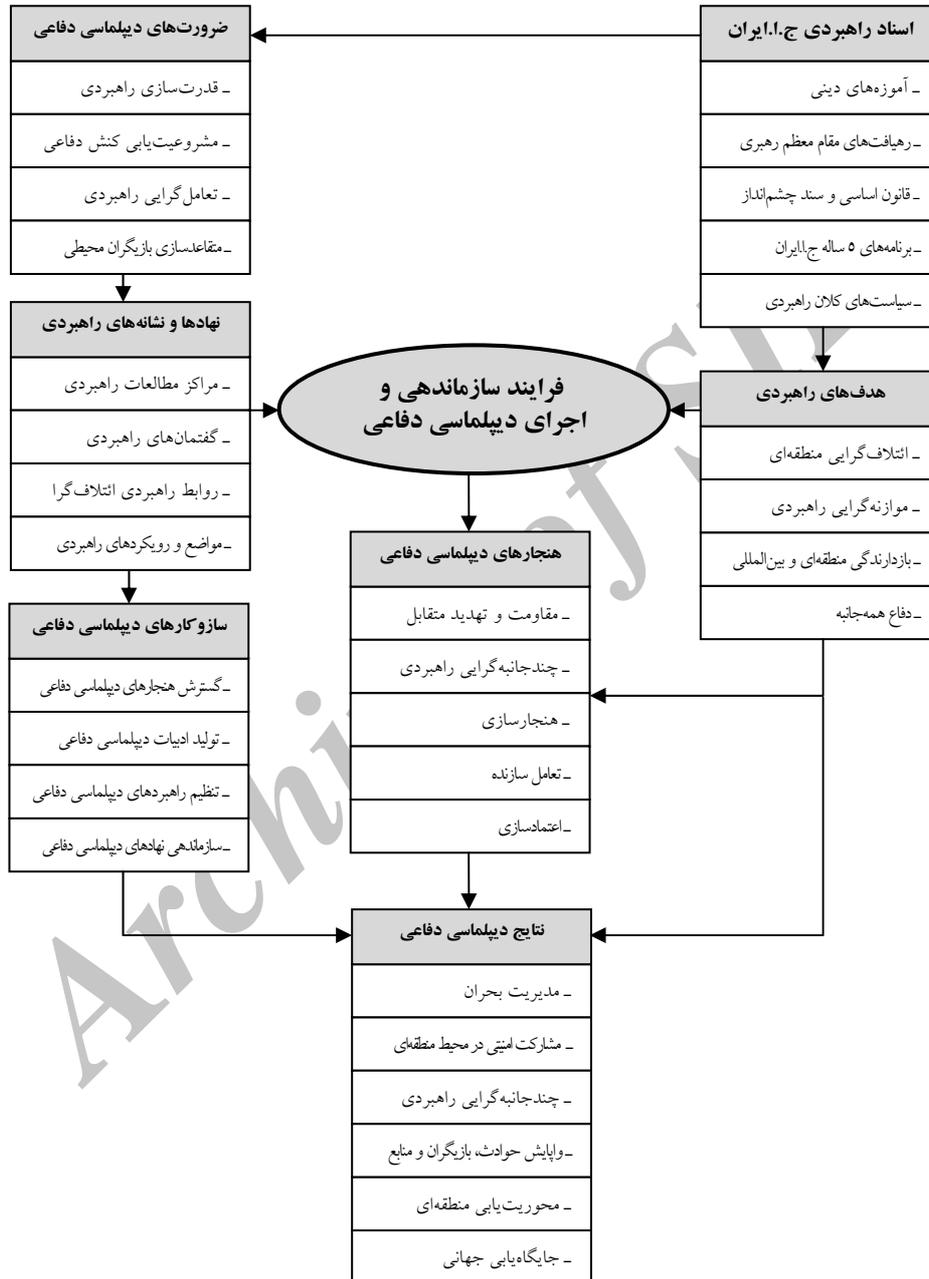
نشانه‌های دیپلماسی دفاعی را می‌توان در اقدام‌هایی از جمله بازدارندگی موسع راهبردی، گسترش توانایی اقدام متقابل، اقناع راهبردی، تولید ادراک امنیتی و تصویرسازی راهبردی، واپایش مناقشه و مشارکت در فرایندهای مدیریت بحران دانست. هر یک از نشانه‌های یادشده، جلوه‌هایی از چندجانبه‌گرایی راهبردی را منعکس می‌سازد. بنابراین هرگاه صحبت از چندجانبه‌گرایی راهبردی می‌شود به مفهوم آن است که می‌توان زمینه‌های لازم برای قدرت‌سازی، امنیت‌سازی و گسترش راهبرد معطوف به امنیت چندجانبه را فراهم نمود.

به این ترتیب باید دیپلماسی دفاعی را بخشی از راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی در حوزه دفاعی دانست. در این ارتباط، سیاست دفاعی به‌عنوان بالاترین سند دفاعی کشور، تعیین‌کننده ماهیت و ساختار نظام دفاعی کشور در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری محسوب می‌شود. به عبارت روشن‌تر، اینکه سیاست دفاعی کشور بر رویکرد «تهدیدمحور» یا «قابلیت‌محور» بنا شده باشد، تأثیر مستقیم و عمیقی بر «راهبرد دفاعی»، «دیپلماسی دفاعی» و «صنایع دفاعی» خواهد داشت. در راهبرد دفاعی ج.ا.ایران، رابطه مستقیمی بین فرایندهای قابلیت‌محور با نشانه‌های تهدید محیط منطقه‌ای وجود دارد.

با توجه به شاخص‌های یادشده در روند سازماندهی دیپلماسی دفاعی، می‌توان نشانه‌هایی از قالب‌های گفتمانی و الگوهای راهبردی را مورد ملاحظه قرار داد که زمینه‌های لازم برای مقاومت منطقه‌ای، تهدید متقابل، بازدارندگی راهبردی، چندجانبه‌گرایی، اعتمادسازی، هنجارسازی و تعامل سازنده را فراهم می‌سازد. هر یک از مؤلفه‌های یادشده بخشی از ضرورت‌های راهبرد دیپلماسی دفاعی پویا را منعکس می‌سازد. در این ارتباط، می‌توان الگوی مفهومی را در قالب نمودار زیر تنظیم نمود:

Archive of SID

شکل شماره ۶. فرایند سازماندهی و اجرای دیپلماسی دفاعی ج.ا. ایران



نتیجه گیری

(۱) دیپلماسی دفاعی برابر دیپلماسی تهاجمی قرار نمی گیرد. مباحث دیپلماسی دفاعی، ارتباطی با جهت گیری های سیاست خارجی (تعامل سازنده یا مقاومت مؤثر) ندارد. به موازات دیپلماسی دفاعی، دیپلماسی فرهنگی و اقتصادی نیز از اهمیت ویژه ای در برنامه ریزی دفاعی برخوردار است.

(۲) دیپلماسی دفاعی باید ماهیتی ابتکاری داشته باشد. به عبارتی برای مقابله با بحران ها و یا ایجاد فرایندی جدید، دیپلماسی دفاعی می تواند نقشی ابتکاری داشته باشد. رویکرد مبتنی بر دیپلماسی دفاعی در دوران تصدی دریابان شمشانی، در وزارت دفاع توانست مطلوبیت هایی در جهت مدیریت بحران در محیط منطقه ای ایجاد کند. در این دوران، دیپلماسی دفاعی، بخشی از جهت گیری راهبردی وزارت دفاع بود. در دوران سردار وحیدی نیز حوزه امور بین الملل وزارت دفاع تلاش دارد تا زمینه های لازم برای تحقق سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد. چنین رویکردی، بخشی از نیازهای مربوط به دیپلماسی دفاعی محسوب می شود.

(۳) دیپلماسی دفاعی ایران مبتنی بر گسترش حوزه تعامل با بازیگران دولتی و غیردولتی شکل گرفته است. هر یک از حوزه های تعامل را می توان در سه سطح ملی، منطقه ای و بین المللی مورد توجه قرار داد.

(۴) برای تبیین چارچوب مفهومی دیپلماسی دفاعی ایران، لازم است تا دو سطح منطقه ای و بین المللی از یکدیگر تفکیک گردد. در شرایط موجود منطقه ای نشانه هایی از بحران مشاهده می شود. درگیری رژیم صهیونیستی و حماس در روزهای ۱۷ تا ۲۱ نوامبر ۲۰۱۲ را می توان نشانه هایی از تهدید امنیتی دانست. در شرایط تهدید، دیپلماسی دفاعی به موازات الگوهای تولید قدرت مورد توجه قرار می گیرد. در این ارتباط، چندجانبه گرایی به موازات فرایندهای معطوف به مقاومت راهبردی به عنوان بخشی از نشانه های کنش راهبردی ایران در حوزه دیپلماسی دفاعی بوده است.

(۵) راهبردهای دیپلماسی دفاعی ایران براساس چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای تداوم یافته است. محور اصلی دیپلماسی دفاعی ایران را باید ائتلاف‌گرایی برای مقابله با تهدیدهای ناشی از سیاست بین‌الملل و بازیگران مؤثر در نظام سلطه دانست. در چنین شرایطی هرگونه ائتلاف‌گرایی باید به موازات سیاست قدرت مورد توجه قرار گیرد.

Archive of SID

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. آدریان، فریهرن (۱۳۸۰)، سیاست دفاعی، *فصلنامه مطالعات دفاعی - امنیتی*، ترجمه سعادت حسینی، شماره ۲۶.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، *دیپلماسی نوین؛ رویکرد ایرانی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. پورحسن، ناصر (تابستان ۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه‌جانبه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۳.
۴. ترابی، ظاهره (زمستان ۱۳۸۴)، دیپلماسی دفاعی و امنیت‌سازی فرامنطقه‌ای در ساختار دفاعی انگلستان، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال چهارم، شماره ۱۴.
۵. ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵)، در جست‌وجوی افق‌های جدید در سیاست خارجی ایران، *پژوهشنامه رویکرد*، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۵.
۶. شمشانی، علی (۱۳۷۸)، *آموزه‌هایی درباره ظرفیت‌سازی ایران*، تهران، کمیته راهبردی شورای امنیت ملی.
۷. عسگری، محمود (زمستان ۱۳۸۷)، شاخص‌های ارزیابی سیاست دفاعی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
۸. فریدمن، لارنس (۱۳۸۶)، *بازدارندگی*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور و روح‌الله طالبی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. گیتس، رابرت (زمستان ۱۳۸۷)، راهبرد متوازن؛ برنامه ریزی مجدد پنتاگون برای عصری جدید، ترجمه بهناز اسدی‌کیا، تحلیل امیر دریابان علی شمشانی، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
۱۰. متقی، ابراهیم (پاییز ۱۳۸۹)، شاخص‌ها و کارکرد سیاست خارجی تعامل ضد نظام سلطه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال هشتم، شماره ۳۰.
۱۱. متقی، ابراهیم (زمستان ۱۳۸۵)، فرایندهای تحول در ساختار و کارکرد دیپلماسی دفاعی آمریکا، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال چهارم، شماره ۱۴.
۱۲. متقی، ابراهیم و افسانه رشاد (تابستان ۱۳۹۰)، نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳.
۱۳. متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی (۱۳۹۰)، *الگو و روند در سیاست خارجی*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

۲. منابع انگلیسی

1. Gates, Roberts (Jan-Feb 2009), A Balanced Strategy: Reprogramming the Pentagon For a New Age, *Foreign Affairs*, Vol. 88, No. 1.
2. Leeds, B.A (2002), Alliance Treaty Obligations and Provisions 1815-1944, *International Interactions*, Vol. 28, No. 3.
3. McCormick, Gordon and Fritz Lindsay (2009), The Logic of Warlord Politics, *Third World Quarterly*, Vol. 30.
4. Shea, Timothy (July 2005), Transforming Military Diplomacy, *Joint Forces Quarterly*, Issue Thirty-Eight.
5. Thompson, Scott (1998), *Public Diplomacy*, New York, National Strategy Information Center.
6. Vuving, Alexander (2004), Defense Diplomacy; Main Concept of the Preventive Diplomacy, available at: www.Afri.org.html.

Archive of SID